

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۱۶ سپتمبر ۲۰۲۰

حمید انوری

مهمانی خانه خاله، یا مذاکرات صلح دوحه؟!!

مذاکرات صلح دوحه بین فرستادگان طلب از پاکستان و فرستادگان "جمهوری اسلامی" افغانستان از کابل، در دوحه، مرکز قطر برگزار گردید و خبرگزاری های جهان از چگونگی آن بصورت مستقیم و مسلسل گزارش دادند و هموطنان ما در سرتاسر دنیا، دیدند و شنیدند و قرار معلوم به هردو طرف خندیدند و یا هم شاید گریستند.

از چند و چون مذاکرات که بگذریم، یک سوال اساسی می تواند مطرح گردد و آنهم اینکه، آیا حکومت کابل آنهمه لا و لشکر بی سر و پا را به مهمانی خانه خاله فرستاده بود، یا مذاکرات صلح دوحه؟!!

دور نمی رویم، در جمع بیست و یک (21) فرستاده "جمهوری اسلامی افغانستان" به دوحه، فوزیه کوفی و دختر او، یعنی مادر و دختر عضو یک هیئت، پسر رشید دوستم، پسر عطا محمد نور، پسر سید منصور نادری، دختر سید احمد گیلانی (نسبت مریضی از رفتن باز ماند)، داماد گلبدین (گلبدین به او اجازه نداد تا در مذاکرات دوحه شرکت کند) و...، آیا در تمام افغانستان و در بین بیش از 35 میلیون نفوس کشور، بهتر از این جمع نامتجانس و ناوارد و غیر مستحق، هیچ افغان با صلاحیت و واجد شرایط چنین مذاکرات، وجود نداشت که دختران و پسران و دامادان و...، چند دزد و داره مار و جنگ سالار را گرد هم آورده و به سفر دوحه فرستادند؟!!

از جانب دیگر قرار مشاهده چند کلیپ از مذاکرات متذکره، با وضاحت دیدیم و شنیدیم که نه پسر عطا محمد نور و نه هم پسر عبدالرشید دوستم، قادر بودند که دو جمله مکمل و قابل فهم و بامفهوم، در جواب خبرنگاران و نیز نماینده های طالبان، با جرئت و متانت ابراز دارند. پسر رشید دوستم در یک جمله بی ربط و بی مفهوم خود، بیشتر از ده بار حرف ربط "که" را استفاده کرد، آخر فهم

و دانش و درایت و صلابت، نه به دریشی و نکتائی است و نه هم به چین و کلاه و لنگی و کرته و ایزار و واسکت و دستمال سرشانه(قدیفه)، به گفته زنده یاد "پروین اعتصامی":

در سر عقل می باید، بی کلاهی عار نیست

اما چه می توان کرد که در سر خانم ها و آقایان ایکه به مهمانی خانه خاله فرستاده شده بودند تا از افغانستان و مردم افغانستان نمایندگی کنند، یک مثال مغز نیز وجود نداشت. خانم هائیکه به این مهمانی فرستاده شده بودند، یا مشغول نمایش در مقابل خبرنگاران بودند و یا هم سرگرم عکس های یادگاری و سلفی با این و آن.

نه لنگی و واسکت و ریش سه متره به طالب شخصیت می بخشد و نه هم دریشی و نکتائی و چین و ایزار، به پسران احمد و محمود و کلبی و مقصود.

پس با جرئت می توان گفت که حکومت کابل یک مشت افراد مورد نظر را از چهار گوشه و کنار جمع کرد و به مهمانی خانه خاله به دوحه فرستاد تا یکی دو روزی شکم های مفتخور شانرا در هوتل های دوحه، نوازش دهند، به پدران، مادران و خسر های شان نیز فهمانده شد که آنها هم در جمله "نخبگان" اند، یعنی اینکه در شهر کور ها، یک چشمه پادشاه است؛ و بدین ترتیب به تمام مردم افغانستان یک توهین بزرگ روا داشته شد که غیر قابل بخشش است.

اشرف غنی باز هم چیغ بکشد و داد و فریاد راه اندازد که "من باج نمی دهم"، و به ریش خود بخندد.

از جانب دیگر، دیدیم و شنیدیم که عبدالله عبدالله هم یک مشت چرند را قفله کرد و اتمر و ستانکزی هم در دو کنار او کله شور دادند، اما هیچ دستاوردی نداشتند. طالبان نماینده های کابل را بی صلاحیت خوانده و حکومت کابل را تقلبی و غیر قانونی می گفتند و استدلال می کردند که در بین سی و پنج میلیون نفوس افغانستان، رئیس جمهور فقط یک میلیون رای به دست آورده که در آن هم تقلب بیداد می کرده است و... و اما نماینده های حکومت و بصورت خاص، پسر رشید دوستم و پسر عطا محمد نور، هیچ جواب قناعت بخش و دندان شکنی به آنها داده نتوانستند. بگذار که چند استخدام شده آنان در یوتیوب و فیسبوک و...، قفله کنند که "جواب دندان شکن" تحویل طالبان داده اند، از حق اگر نگذیریم، صلاحیت و قاطعیت نماینده های طلب، به مراتب بالاتر از نماینده های حکومت بود.

در اخیر هم ببینیم که رئیس هیئت متذکره، یعنی عبدالله عبدالله چه گُلی را به آب داد، او با شد و

مد قفله کرد که "ما خواهان یک آتش بس بشر دوستانه هستیم!"

ما اما دانسته نشدیم که آیا "آتش بس"، دو نوع است، یکی "آتش بس بشردوستانه" و دیگری "آتش بس غیر بشر دوستانه"، اگر چنین است، کاش جناب عبدالله کمی بیشتر توضیح می داد که "آتش بس غیر بشردوستانه"، به کدام آتش بس اطلاق می شود و "آتش بس بشردوستانه" به کدام. از نظر این کمترین، با در نظر داشت اینکه آتش بس دو نوع باید باشد، نوع دومی یا همانا "آتش بس غیر بشر دوستانه"، می توان به آتش بس ای اطلاق کرد که جانب مقابل از کشتن بشر خودداری ورزیده و به کشتن حیوان و پرنده و چرنده و خزنده اکتفا کند. و اما در مورد آتش بس به صورت کُل خدمت جناب عبدالله عبدالله باید عرض کرد که ، آتش بس زمانی در یک جنگ به وجود می آید که هر دو جانب جنگ به یک بن بست مواجه گردند، پس همان آتش بس نیز، خصلت بشردوستانه ندارد، بلکه جهت حفظ قوا و در حالت خسته شدن از جنگ و به نتیجه نرسیدن در جنگ به وجود می آید و هیچ ربطی به "بشردوستی"، ندارد.

دو رهبر خفته بر روی دو بستر
دو عسکر خسته در بین دو سنگر
دو رهبر پشت میز صلح خندان
دو بیرق بر سر گور دو عسکر